

**Efficiency of Women in Socio-Political Arenas****(With Emphasis on Modeling the Holy Quran)**

Received: 14/01/2022

Accepted: 25/02/2022

**Fatemeh Karimi**\***Hamid Negaresh**\*\***masoumeh hafezi**\*\*\*

(137-163)

In the normative view of the Holy Quran, the presence of women in society is considered a requirement of her socio-political field and its recognition can be extracted from various verses. One of these ways of explaining and drawing this issue is the modeling method, which has been proposed in a practical way from angles beyond theoretical issues. Thus, the aim of the present study is to draw the effectiveness of women in socio-political fields in the light of women's Quranic models and using descriptive-analytical method and using ijthad interpretation. Therefore, the central question in this research is according to the Quranic models, what is the position of women in socio-political areas? Based on the research findings, Queen Saba's determination and prudence in governing, healthy employment of Shoaib's daughters in society and preserving the life of the Prophet of God with the participation of Moses's mother and sister, Fatima's effective presence in the story of Mubahila, women's allegiance to the Prophet ( P.) indicates the effectiveness of the socio-political presence of women in the light of Quranic models. In addition, the active participation of women in society has also been effective in the flourishing of the religious community, which has been suggested in addition to the performance of models in the Qur'an; Such as Hajar's patience, Pharaoh's wife's struggle, Mary's purity and piety, Mary's mother's religious education, the blessed existence of Hazrat Fatima as a great benefactor and the mother of the Imams (AS). In the culture of the Qur'an, women are also mentioned as causes of misguidance, which can be a lesson from the inappropriate presence of women in society and politics; Like the wife of Noah, Lot and Abu Lahab.

**Keywords:** Woman model pattern Holy Quran Political Social.

---

\*. PhD student, Department of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. f.karimi200@gmail.com.

\*\* . Associate Professor, Department of Islamic Theology, Imam Sadegh (AS) Research Institute, Qom, Iran. (Responsible author) . hamid\_negaresh@yahoo.com.

\*\*\*. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University (Shahid Bahonar Campus, Kerman), Iran, Kerman). .hafezi. mp@gmail.com.



## کارآمدی زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی (با تأکید بر الگوسازی قرآن کریم)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

فاطمه کریمی\*  
حمید نگارش\*\*  
معصومه حافظی\*\*\*  
(۱۳۷-۱۶۳)

### چکیده

در نگرش هنجاری قرآن کریم، حضور زن در جامعه، لازمهٔ ساحت سیاسی-اجتماعی وی شمرده شده و رسمیت‌بخشی بدان، از آیات مختلفی استخراج‌شده است. یکی از اسلوب‌های تبیین و ترسیم این موضوع، روش الگودهی است که از زاویه‌ای فراتر از مباحث نظری، به شیوهٔ عملی مطرح شده است. بدین سان، هدف این پژوهش آن است که در پرتو الگوهای قرآنی زنان و به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌بردن از تفسیر اجتهادی، کارآمدی زنان در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی را ترسیم کند. بنابراین، پرسش محوری در این پژوهش این است که با توجه به الگوهای قرآنی، زنان در ساحت‌های سیاسی-اجتماعی از چه جایگاهی برخوردارند؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، عزم و تدبیر ملکهٔ سبأ در حکومت‌داری، اشتغال سالم دختران شعیب در جامعه و حفظ جان نبی خدا با مشارکت مادر و خواهر موسی علیهم‌السلام، حضور مؤثر حضرت فاطمه علیها‌السلام در ماجرای مباحله و بیعت زنان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بیانگر کارآمدی حضور سیاسی-اجتماعی زنان در پرتو الگوهای قرآنی است. به‌علاوه آنکه مشارکت فعال زنان در اجتماع، در شکوفایی

\* . دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران،

f.karimi200@gmail.com

\*\* . دانشیار گروه کلام اسلامی، پژوهشگاه امام صادق علیه‌السلام، قم، ایران (نویسندهٔ مسئول)،

hamid\_negarash@yahoo.com

\*\*\* . استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید باهنر کرمان)، کرمان،

hafezi.mp@gmail.com، ایران

جامعه دینی نیز اثرگذار بوده که در ضمن عملکرد الگوهایی در قرآن، مطرح شده است؛ همچون بردباری هاجر، مبارزه طلبی همسر فرعون، طهارت و پرهیزکاری مریم علیها السلام، تربیت دینی مادر مریم علیها السلام، وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام به‌عنوان خیر کثیر و مادر ائمه اطهار علیهم السلام. در فرهنگ قرآن، همچنین، زنانی نیز به‌عنوان مسببات گمراهی مطرح شده‌اند که مایه عبرت‌آموزی از حضور ناشایست زنان در عرصه اجتماع و سیاست محسوب می‌شوند؛ همچون همسر نوح، لوط و ابولهب.

**کلیدواژگان:** زن، الگو، الگودهی، قرآن کریم، سیاسی، اجتماعی.

### بیان مسئله

در تفکر اسلامی، زنان نیز همچون مردان، نقش مهمی در تمدن اسلامی و حرکت‌های اجتماعی دارند. از این رو، این نوع نگاه در تعالیم دینی، تجلی ویژه و قابل توجهی به خود گرفته و به تبیین حقوق اجتماعی و سیاسی زنان به‌عنوان یکی از موارد لازم و ضروری، توجه شده است. خداوند متعال در قرآن کریم به شیوه‌های مختلف، نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را به رسمیت شناخته است. یکی از روش‌های تبیین این موضوع روش الگودهی است که فراتر از سطح اعتبار و جعل قوانین، حضور عملی زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را به تصویر کشانده است. توجه نکردن به الگوهای زنان در کلام وحی، می‌تواند زمینه پدید آمدن برخی انگاره‌های نادرست از حضور اجتماعی و سیاسی زنان را در جامعه به وجود آورد و قابلیت، اثربخشی و کارایی آنان در جامعه را به حاشیه ببرد؛ همچون نگاهی که زن را اسیر و رعیتی در دست مرد خوانده‌اند و به حکم باور انگاره برتری مرد بر زن، حسن رفتار مرد با وی را لازم شمرده‌اند (زیدان، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۲۳۱)، یا آنجا که در تبیین روابط همسران، چنین پنداشته‌اند که اگر مرد بتواند مسائلی همچون احکام حیض و نفاس را به همسرش آموزش دهد، زن حق خروج از منزل جهت کسب این دانش ضروری را ندارد (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳: ۱۰۶). در آیات قرآن کریم، جهت ترسیم حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و رشد و تعالی آن‌ها در بطن جامعه دینی، ضمن مباحث تنوریک، از الگوهایی یاد شده است که بر حضور مؤثر زنان در عرصه‌های اجتماعی مهر تأیید می‌زند؛ الگوهایی همچون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، همسر

فرعون، حضرت مریم علیها السلام و مادر حضرت موسی علیه السلام، که قابلیت‌ها و کارآمدی زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را روشن می‌کند و خط بطلانی بر شبهات مربوط به محدودیت حضور زنان در عرصه اجتماع می‌کشد. از این رو، هدف این پژوهش آن است که با استخراج این دسته از الگوهای قرآنی، قابلیت حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی از منظر کلام الهی مستدلاً ترسیم و تبیین شود.

پرسش محوری در این پژوهش این است: با توجه به الگوهای قرآنی، زنان در ساحت‌های سیاسی و اجتماعی از چه جایگاهی برخوردارند؟

در راستای پاسخ‌دهی به این پرسش، به چند پرسش فرعی نیز پاسخ داده خواهد شد که عبارت‌اند از: قرآن کریم در شیوه الگودهی خود، چگونه حضور اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه را به تصویر کشانده است؟ در فرهنگ قرآنی، نقش تمهیدی زنان در ساختار جامعه دینی از چه جایگاهی برخوردار است؟ روش انتقادی قرآن از الگوهای ناشایست زنان در جامعه چگونه است؟

### روش تحقیق

در این پژوهش، آیات قرآن کریم درباره الگودهی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان استخراج و ضمن مراجعه به کتاب‌های تفسیری، روایی، حقوقی و زن‌پژوهی، داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری و به شیوه توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند و به تناسب بحث، در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های قرآن، از روش تفسیر اجتهادی نیز استفاده شده است.

### مبانی نظری

در این پژوهش از باب تمهیدات، لازم است مفاهیم و ادبیات علمی موضوع و مباحث تئوریک مربوط، به اختصار تبیین و بررسی شود.

#### ۱. مفهوم‌شناسی

الف) کارآمدی: این واژه به معنای تأثیر، سودمندی، اثربخشی، کارایی و فایده دانسته شده (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱) و در اصطلاح عبارت است از: «قابلیت و توانایی رسیدن به

هدف‌های تعیین شده و مشخص) «آقابخشی و افشاری راد، بی تا: ۴۴۶».

ب) الگو: این واژه در زبان فارسی به معنای سرمشق و نمونه (عمید، ۱۳۸۹: ۲۲۵)، و معادل آن در قرآن کریم «اسوه» است (احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶). اسوه در جایی به کار می‌رود که انسان در نیکی و بدی از دیگری تبعیت کند؛ چه در شادمانی، چه در زیانمندی (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق: ۷۶).

## ۲. نقش الگوها در معرفت‌بخشی

یکی از روش‌های یاددهی و معرفت‌بخشی روش الگودهی است؛ زیرا الگوها نقش برجسته‌ای در تبیین محتواهای آموزشی و تربیتی دارند و به‌عنوان مکانیسم عملی و نوعی سنجه در فرایند بصیرت‌یابی تلقی می‌شوند و می‌توانند در جریان آموزش و تربیت، به‌عنوان یکی از عوامل انگیزشی و حرکتی، نقش مؤثر و مفیدی داشته باشند. روش الگودهی می‌تواند با ارائه نمونه‌های عینی، به افکار و اعمال انسان جهت بخشد.

## اهمیت الگوسازی در فرهنگ قرآنی

الگوپذیری در طبیعت و نهاد هر انسانی وجود دارد و نوعاً انسان‌ها در طول زندگی خود، به دنبال الگوهای موردپسندشان هستند و حتی می‌توانند با تاسی و پیروی از الگوهای مناسب، به سعادت دنیا و آخرت دست یابند. اگر انسان بخواهد از رهگذر فطرت، سیر تکامل خود را بیماید، شناسایی الگوهای دینی و دستیابی به آن لازم و ضروری است. فلسفه وجودی این الگوها در توسعه انسانی، دائمی است؛ همان‌گونه که قرآن کریم نیز اقتدا به الگورا به‌صورت مطلق و ابدی مطرح و انسان‌ها را به پیروی از آن‌ها دعوت کرده است (زارعی، ۱۳۸۹، ج ۸۴: ۸۰). کتاب هدایت‌بخش قرآن کریم جهت تربیت و تکامل انسان‌ها، به شیوه الگودهی اهمیت ویژه‌ای بخشیده و در جریان معرفت‌بخشی، از الگوهای زن و مردان یاد کرده است که در پرتو جاودانگی قرآن کریم، نقش ماندگاری را در تاریخ اسلام به خود گرفتند. قرآن کریم در راستای دفاع از شخصیت و حقوق همه‌جانبه زنان نیز الگوهای معرفتی معرفی کرده که در دو عرصه خوب و بد قابل ارائه بوده و در جریان معرفت‌بخشی بر آن‌ها تأکید ورزیده شده است. در قرآن کریم، از الگو تحت عنوان «اسوه» و به‌صراحت، از

پیامبرانی به‌عنوان اسوه حسنه یاد شده است؛ همان‌طور که درباره نقش اسوه‌دهی پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سر مشق نیکویی بود؛ برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.» ترسیم جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان در فرهنگ قرآن کریم نیز از شیوه الگودهی مستثنا نیست و خداوند متعال جهت تبیین جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان، در پرتو آموزه‌ای مربوط، الگوهایی را معرفی کرده است؛ الگوهایی که نه تنها برای زنان، بلکه برای تمام جهانیان قابلیت تأثیر و تأثر دارد و از منظر اسلام، بیانگر نقش مؤثر زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است؛ همان‌طور که در کلام برخی علما مطرح شده است: «اسلام زنان را از شرکت در فعالیت‌های دینی، سیاسی، علمی و فرهنگی منع نمی‌کند» (دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۳). چه بسا بتوان گفت از منظر کلام الهی، نه تنها منعی در این باره وجود ندارد، بلکه تبیین الگوهایی از حضور مؤثر زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تشویق شده، و انگیزه‌ای بر فرهنگ‌سازی آن در جامعه است تا افکار خام حضور زنان در جامعه را به حاشیه نبرند و به قابلیت‌ها و کارآمدی آن‌ها در جامعه بها دهند.

### پیشینه تحقیق

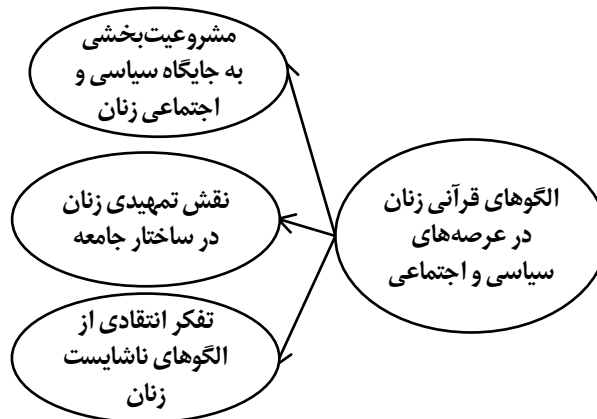
در طول تاریخ، درباره حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، نظریه‌پردازی‌های وافر صورت پذیرفته و برخی پژوهشگران این مسئله را از منظر دینی، فقهی، حقوقی و عرفی پردازش و بررسی کرده‌اند. خارج از برخی رفتارهای ژورنالیستی با این موضوع و ارائه برخی نظریات سلیقه‌ای، برخی نوشته‌ها از منابع و مستندات درخور توجهی برخوردار است. بررسی تحقیقات انجام‌شده در این باره نشان می‌دهد که محققان به تناسب تبیین برخی حقوق زنان، به اختصار، مصادیقی از مستندات قرآنی الگو بخش را در ضمن مباحث خود مطرح کردند؛ همچون کتاب اشتغال زنان با تأکید بر آسیب‌ها و اولویت‌ها، اثر علی پناهی که نمونه اشتغال دختران شعیب را در کنار دیگر مباحث نظری مطرح کرده یا همچون مقاله «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان» اثر موسی صدر که به تناسب بحث، مستند قرآنی

فرمانروایی ملکه سبأ و تأیید قرآن در این باره را مطرح کرده است یا برخی پژوهش‌ها در این باره که به طور کلی به تبیین مشارکت سیاسی یا اجتماعی زنان از منظر منابع دینی پرداخته‌اند؛ همچون مقاله «مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی» اثر سید مهدی احمدی و سیده رقیه سیدی جربندی که جهت تبیین مباحث نظری و دفاع از حقوق زنان در این باره، برخی مستندات دینی را تبیین و بررسی کرده‌اند.

اما آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند و به تحقیق جنبه نوآوری و تازه‌ای می‌بخشد، شیوه الگودهی قرآن کریم در راستای طرح حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی و سیاسی است که در تحقیقات پیشین به صورت مستقل، همه‌جانبه، منسجم و سامانمند واکاوی و بررسی نشده است. از این رو، این پژوهش با واکاوی آیات شریف قرآن کریم درباره نقش اجتماعی و سیاسی زنان، محوریت استدلالات را به الگوهای قرآنی بخشیده است و در پرتو آن‌ها، سعی بر تبیین و ترسیم جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان از منظر پروردگار متعال دارد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های این پژوهش با کنکاش و جست‌وجوی آیات درباره الگوهای قرآنی در قلمرو حضور سیاسی و اجتماعی زنان و تجزیه و تحلیل آن‌ها در سه محور تبیین شده‌اند:



نمودار شماره ۱. الگوهای قرآنی زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

## ۱. مشروعیت‌بخشی قرآن به جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان در اسلوب الگودهی

جایگاه والای زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در آیات گوناگونی از قرآن کریم به رسمیت شناخته شده و برای ترسیم آن، از الگوهای رفتاری مناسبی یاد شده است؛ الگوهایی که ترسیمگر نقش ارزشی و مؤثر زنان در جامعه است و از منظر قرآن کریم، استعدادها و توانمندی‌های آن‌ها در عرصه سیاست و اجتماع را به تصویر می‌کشد و بر پندارها و انگاره‌هایی که نقش سیاسی و اجتماعی زنان را نامشروع جلوه می‌دهند، خط بطلان می‌کشد. اینک به تناسب بحث، آن الگوها تبیین می‌شوند.

### جدول شماره ۱. الگوهای مشروعیت‌بخش قرآن به ساحت سیاسی و اجتماعی زنان

الگوهای مشروعیت‌بخش قرآن به ساحت سیاسی و اجتماعی زنان		
۱	حکومت‌داری ملکه سبأ	نمل: ۲۳-۴۴
۲	اشتغال دختران شعیب <small>علیه السلام</small>	قصص: ۲۵
۳	حضور مبارزانه مادر و خواهر موسی <small>علیه السلام</small>	قصص: ۷-۱۱
۴	حضور مقتدایی حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> در مباحله	آل عمران: ۶۱
۵	بیعت زنان با پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	ممتحنه: ۱۲

(منبع: یافته‌های پژوهش)

### الف) حکومت‌داری ملکه سبأ

قرآن کریم در آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره نمل، از ماجرای فرمانروایی ملکه سبأ یاد می‌کند که در حکومت‌داری و اقتدار، جانب عدل و خرد را رعایت کرد و این نوع شاخص‌ها موجب ایمان آوردن وی به حضرت سلیمان علیه السلام شد؛ چنان‌که فرموده است: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (نمل: ۲۳)؛ زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و [به‌خصوص] تخت عظیمی دارد.» علامه طباطبایی عبارت شریف «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» در آیه را قرینه بر هر چیزی می‌داند که سلطنتی عظیم محتاج داشتن آن‌هاست؛ مانند حزم، احتیاط، عزم، تصمیم‌راسخ، سطوت و شوکت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۰۶). به گزارش قرآن کریم، باتوجه‌به آنکه ملکه سبأ و قوم او خورشید را می‌پرستیدند، حضرت سلیمان علیه السلام طی نامه‌ای که با نام خدا شروع شده بود، وی را به‌سوی



حق دعوت کردند. یکی از جلوه‌های مدبرانه حکومت‌داری ملکه سبأ این بود که پس از دریافت نامه سلیمان علیه السلام، از هرگونه استبداد رأی خودداری و مطابق عقل و خرد، با بزرگان قوم خود مشورت کرد: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (نمل: ۳۲)؛ [سپس] گفت: ای اشراف [و ای بزرگان]، نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمی را بدون حضور [و مشورت] شما انجام نداده‌ام.» بنا به گزارش قرآن کریم، پاسخ بزرگان قوم این بود که از قدرت نظامی خود جهت مقابله با سلیمان استفاده کنند؛ اما ملکه سبأ پس از بررسی، تدبیر و آسیب‌شناسی روش مشاوران خود، راه عاقلانه‌ای را در پیش می‌گیرد که در نزد هر انسان فهیمی، برتر از پیشنهاد بزرگان قوم وی بوده است: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (نمل: ۳۴)؛ گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند. [آری.] کار آنان همین‌گونه است.» مطابق آیات بعد، او با فرستادن هدیه‌ای ارزشمند به حضرت سلیمان علیه السلام، می‌کوشد ایشان را بشناسد و هدفشان را رصد کند. بنابراین، با این نوع تعامل، متوجه می‌شود که ایشان فرستاده خداست و درنهایت، بدون هرگونه درگیری، با ایمان آوردن به ایشان، نجات خود و قوم خود را از گمراهی حاصل می‌کند؛ همان‌گونه که در آخرین آیه این ماجرا، درباره تصمیم نهایی ملکه سبأ آمده است: «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (نمل: ۴۴)؛ [ملکه سبأ] گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم.»

گزارش ماجرای ملکه سبأ، خود جلوه‌گر حکومت‌داری خردمندانانه و مدبرانه زن است که از منظر قرآن کریم، نه تنها نقد نشده، بلکه نمونه و الگوی بارز حکومتی مردمی و منصفانه است. بدون شک، کانون تمرکز در این دسته از آیات، بر شیوه صحیح حکومت‌داری ملکه سبأ و در نتیجه ایمان و تسلیم شدن وی در برابر فرمان نبی خداست؛ حکومت‌داری‌ای که نجات و رستگاری وی و مردم را در پی داشت. بنابراین، می‌توان از گزارش این ماجرا در قرآن به جایگاه سیاسی زن و حضور مؤثر وی در جامعه اشاره کرد و به این نتیجه دست یافت که زن نیز می‌تواند از قدرت و درایت والایی برخوردار باشد و در مدیریت سیاسی

به‌خوبی اعمال نقش کند. شهید مطهری در تحلیل اینکه قرآن کریم داستان ملکه سبأ را با جزئیات مطرح می‌کند و به پادشاه بودن وی انتقادی هم نمی‌کند تصریح می‌دارد: «این خودش می‌رساند که قرآن با این موضوع مخالف نیست.» ایشان می‌گویند خداوند از میان صحنه‌های گوناگون زندگی سلیمان نبی علیه السلام، صحنه ارتباط وی را با ملکه سبأ مطرح کرده و از سخنان ملکه سبأ جملاتی را نقل کرده که نشانه عقل و هوشمندی والای اوست و سپس داستان را بدون هیچ‌گونه نقد یا کنایه و تعریضی به پایان رسانده، که مبین نگاه مثبت قرآن به نقش و جایگاه ملکه سبأ است و نشان می‌دهد که زن از منظر قرآن، صلاحیت قرار گرفتن در بالاترین موقعیت سیاسی را دارد (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

بلقیس با توجه به قدرت و مکتبی که داشت، پس از دریافت نامه حضرت سلیمان علیه السلام و پی بردن به اینکه این دعوت از سوی منادی حق است، دعوت وی را پذیرفت و در فرهنگ قرآنی، الگویی از فرمانروایی مدبر و خردمند برای زنان و مردان شد که با رعایت اصول عقلی و مشاوره‌ای، سرانجام در پرتو هدایت فرستاده الهی، تسلیم حق شد. به تعبیر یکی از حقوق‌دانان، «قرآن از شایستگی و کمال زنی مانند بلقیس در دنیای قدیم سخن می‌گوید که با درایت و شایستگی خاصی کشور سبأ را با دموکراسی و نظام شورایی اداره می‌کرده است» (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۹). آیت‌الله جوادی آملی ضمن اشاره به اینکه قرآن کریم این داستان را جهت نمونه طرح کرده است، به مقایسه فرمانروایی برخی مردان کافر با فرمانروایی ملکه سبأ می‌پردازد و تصریح می‌کند: «آیا آل فرعون و آل نمرود عاقل‌تر بودند یا این زن که سلطان و زمامدار کشور وسیع یمن بود. پیداست او از بسیاری از زمامدارهای مرد عاقل‌تر بوده است. او می‌دانست که شجاعت در تسلیم حق شدن است، نه تهور» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۲۴۶).

### ب) اشتغال سالم دختران شعیب در کنار مردان

رسمیت بخشیدن به حق اشتغال زنان در قرآن کریم علاوه بر آنکه از رویکرد قرآن کریم بر اصل استقلال مالی زنان قابل برداشت است (نساء: ۳۲)<sup>۱</sup>، از الگودهی قرآن کریم نیز

---

۱. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ؛ مردان نصیبی از آنچه به‌دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی.»

استنباط و استخراج شدنی است. قرآن کریم از حضور و اشتغال سالم دختران حضرت شعیب در کنار مردان جامعه یاد کرده و نه تنها آن را مذمت نکرده، بلکه با ذکر ضوابط و چهارچوب‌های مربوط به عنوان الگویی عملی از حضور زنان در جامعه، بر آن مهر تأیید زده است؛ چنان‌که فرموده است: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا (قصص: ۲۵)؛ ناگهان یکی از آن دو [زن] به سراغ او آمد. درحالی‌که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت: "پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن [به گوسفندان] را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد."» این آیه نورانی علاوه بر آنکه حق اشتغال زنان در جامعه را به رسمیت می‌شناسد، ادامه شغل پدر و تأمین اقتصاد خانواده در نهایت امنیت اجتماعی را به تصویر می‌کشد؛ به‌گونه‌ای که دختران شعیب با رعایت حیا جرئت می‌کنند به راحتی با حضرت موسی علیه السلام که در آن زمان جوان بودند، درباره پیغام پدر صحبت کنند. حفظ عفت و پاک‌دامنی در این الگوی مطرح‌شده، ترسیم‌گر حضور سالم و مفید زنان در اجتماع است و قرآن کریم چنین الگویی را ارائه می‌دهد. با این بیان، لازمه کارآمدی این الگو در هر جامعه‌ای آن است که اشتغال زن منافی عفت و حیثیت وی نباشد. یکی از پژوهندگان در تبیین این نمونه از فعالیت‌های زنان در آیات قرآن، ضرورت اشتغال زن به دلیل نبود مردی توانا در خانواده، رعایت عفت و حیا، عدم اختلاط با نامحرم و گفت‌وگوی حداقلی و ضروری با بیگانه را از ضوابطی شمرده که در این الگو به آن‌ها توجه شده است (پناهی، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

بدون شک، حفظ عفت و پاک‌دامنی زن، هم به حیثیت خود او هم به حیثیت خانواده وی اعتبار می‌بخشد. از این رو، مطابق این الگوی قرآنی، شغل زن نباید منافی حیثیات زن و خانواده وی باشد؛ همان‌گونه که در ماده ۱۱۷ قانون مدنی نیز آمده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»

مطابق الگوی مذکور، شغل دختران شعیب در راستای حمایت از خانواده است. بنابراین، اشتغال زنان بر اساس فرهنگ قرآنی، نباید تعارضی با حقوق خانواده داشته باشد؛ همان‌طور که یکی از محققان این حوزه تصریح می‌کند: «ضروری است زنان در این عرصه،

از اطلاعاتی جامع درباره‌ی الگوی اقتصاد زن مسلمان برخوردار باشند تا دچار افراط و تفریط نشوند» (ضمیمه‌ی، ۱۳۹۲: ۲۴۱).

باتوجه‌به اینکه چراندن گوسفندان در آن زمان، یکی از مشاغل رایج آن دوره و حتی به‌عنوان شغل برخی از انبیای الهی مطرح بوده، طرح این الگوی قرآنی نشان‌دهنده‌ی مهر تأیید قرآن کریم بر حضور اجتماعی زنان عقیف در کنار مردان است، و با سرایت این الگو در این عصر، به‌نظر می‌رسد چه‌بسا گاهی برخی مشاغل را لزوماً باید زنان جامعه اداره کنند؛ مشاغلی همچون پزشکی، پرستاری، مامایی و معلمی که به‌نوعی می‌توانند برای زنان به‌عنوان واجب‌کفایی مطرح باشند (حافظی، ۱۴۰۰ق: ۱۷۶-۱۷۷). چنین ضرورتی از حضور اجتماعی زنان در جامعه‌ی معاصر، در کلام رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز فریضه شمرده شده است؛ چنان‌که در این باره تصریح فرمودند: «خانم‌ها موظف‌اند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی مانند قلب و داخلی و اعصاب و... را دنبال کنند. این فریضه است» (دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۲۵).

#### پ) مادر و خواهر موسی علیه السلام؛ مبارزان استبداد زمانه

در فرهنگ قرآنی، مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام در آن اوضاع ستمگرایانه و مستبدانه سیاسی که نوزادان پسر بنی اسرائیل را به‌قتل می‌رساندند، به یاری خداوند، در حفظ موسی علیه السلام از شر فرعون نقش مؤثری داشتند. خداوند متعال در این باره از نوعی وحی به مادر موسی علیه السلام خبر می‌دهد:

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص: ۷).

ما به مادر موسی الهام کردیم که «او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا [نیل] بیفکن و نترس و غمگین مباش که ما او را به تو بازمی‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم.»

او نیز از خواهر موسی علیه السلام خواست صندوقچه‌ای را که موسی علیه السلام در آن بود تحت نظر داشته باشد و رها نکند: «وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (قصص: ۱۱)؛ و [مادر موسی] به خواهر او گفت: "وضع حال او را پیگیری کن". او نیز از دور ماجرا را

مشاهده کرد، درحالی‌که آنان بی‌خبر بودند.» پس از آن، بنا بر پیشنهاد همسر فرعون، تصمیم بر آن شد که موسی علیه السلام در نزد فرعون بزرگ شود. خواهر موسی علیها السلام که نوزاد را تحت نظر داشت، پیشنهاد دایه بودن مادر خود را به دربار فرعون داد:

وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (قصص: ۱۲).

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم [تا تنها به آغوش مادر بازگردد]؛ و خواهرش [که بی‌تابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد]، گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟»

این‌گونه این دو زن با عنایات پروردگار، در حفظ موسی علیه السلام از شر دستگاه ظالمانه حکومت فرعون جهاد کردند.

یکی از علما در شرح این آیات تصریح می‌کند که قرآن کریم از سه زن نام می‌برد که در حفظ جان حضرت موسی علیه السلام و تربیت وی نقش مؤثری داشتند: مادر موسی علیها السلام، خواهر موسی علیه السلام و زن فرعون، و می‌گوید این سه زن با وضع سیاسی آن روز مبارزه کردند و برای حفظ حضرت موسی علیه السلام، جان خود را به خطر انداختند (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

### ت) حضور مقتدایی حضرت زهرا علیها السلام در اجتماع در ماجرای مباحله

حضور حضرت زهرا علیها السلام در جمع مباحله، الگوی مناسبی از حضور سالم زن در عرصه اجتماع و سیاست است؛ همان‌گونه که در آیه نورانی آمده است:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران: ۶۱).

به هرکس که با تو در [بار] او پس از دانشی که به تو رسیده است احتجاج ورزد، بگو بیایید تا فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان و نزدیکانمان و نزدیکانتان را فراخوانیم، آن‌گاه با همدیگر مباحله کنیم، و «لعنت» خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

در تفسیر المنار ذیل این آیه اشاره شده است که زن می‌تواند در مهم‌ترین مسائل دینی و حکومتی مانند مرد نقش داشته باشد (رشید رضا، بی‌تا، ج ۳: ۳۲۲). آیت‌الله جوادی آملی

سخن صاحب المنار را با این استدلال نقد می‌کند که پذیرش آن مستلزم این است که بر اساس کلمه «أبناءنا» که شامل پسران خردسال هم می‌شود، کودکان نیز در مسائل حکومتی نقش داشته باشند. پس، کلمه «ونساءنا» در این آیه را دلیلی بر عظمت مقام حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> دانست که زنان دیگر آن را ندارند و اشاره کرد که مقام والای زن در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن را باید از ادله دیگر استفاده کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۴۵۹)؛ حال آنکه می‌توان چنین مقایسه‌ای نداشت. وجود کودکانی مثل حسنین<sup>علیهم السلام</sup> در مباحثه می‌تواند دلیل خاص خود را داشته باشد و وجود مبارک حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> هم با آن کمال و عظمت، دلیل خاص خود را دارد. به نظر می‌رسد حضور ایشان در صحنه سیاست در مباحثه، آن هم در جامعه‌ای که زنان از بسیاری از حقوق خود محروم بودند، شاهدی بر اهمیت نقش‌آفرینی حضور زن در عرصه اجتماع و مهر تأییدی بر مشارکت وی در صحنه سیاسی است.

### ث) بیعت زنان با پیغمبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>؛ الگویی از مشارکت اجتماعی

قرآن کریم از حکم بیعت جمعی از زنان با پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> یاد کرده است که می‌تواند به‌عنوان سرمشقی از مقوله حضور اجتماعی زنان در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه محسوب شود. در قرآن کریم درباره مفاد آن بیعت آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه: ۱۲).

ای پیامبر، چون زنان مؤمن به نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند بر آنکه چیزی را با خداوند شرک نیاورند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندانشان را نکشند و بهتانی را که با آن [از روی دروغ] فرزندی را به شوهرانشان نسبت دهند در میان نیاورند و در کارهای نیک [از فرمان] تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خداوند برای آنان آمرزش بخواه. بی‌گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

در این آیه نورانی، حضور زنان در جامعه جهت پیمان بستن با رهبر دینی، به رسمیت شناخته شده است. بیعت زنان با رهبر دینی در جامعه، درحقیقت مصداق بارزی از حضور

فعال و مؤثر آنان در جامعه است که مطابق سخن الهی، در صورت رعایت شرایط، لیبیک پیامبر ﷺ را نیز در پی دارد. مسئله حضور زن در بیعت با پیامبر ﷺ بیانگر نوعی استقلال آن‌ها در این امر مهم است، و به تعبیر یکی از مفسران، سیاق آیه بر استقلال زن در بیعت کردن و گزینش رهبر دلالت دارد. پس، زن چنان‌که پاره‌ای از مردان تصور می‌کنند یا آن‌گونه که برخی زنان می‌پندارند، در همه چیز تابع مرد نیست، بلکه حق دارد و حتی بر او واجب است که خود رهبر خود را انتخاب کند، و دوستداری و ولایت‌مداری خود را اظهار کند و عقد فرمان‌برداری میان خود و رهبر خویش را به وجود آورد و انشا کند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵: ۳۲۶). یکی از مفسران ذیل آیه نورانی تصریح کرده است:

این مسئله نشان می‌دهد که برخلاف گفته بی‌خبران یا مغرضانی که می‌گویند اسلام برای نیمی از جامعه انسانی یعنی زنان، ارزشی قائل نشده و آن‌ها را به حساب نیاورده است، دقیقاً آن‌ها را در مهم‌ترین مسائل به حساب آورده است؛ از جمله مسئله «بیعت» است که یک بار در حدیبیه (در سال ششم هجرت) و یک بار در فتح مکه انجام گرفت، و آن‌ها نیز دوش به دوش مردان در این پیمان الهی وارد شدند، و حتی شرایط بیشتری را نسبت به مردان پذیرا گشتند؛ شرایطی که هویت انسانی زن را زنده می‌کرد و او را از اینکه تبدیل به متاع بی‌ارزش یا وسیله‌ای برای کام‌جویی مردان بلهوس گردد نجات می‌داد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۴۷).

## ۲. نقش تمهیدی زنان در ساختار جامعه دینی

بر اساس متون دینی، زنانی همچون حضرت خدیجه رضی الله عنها، حضرت زهرا رضی الله عنها، حضرت زینب رضی الله عنها و حضرت مریم رضی الله عنها در ساختار جامعه دینی و اصلاح و ترویج فرهنگ دینی و شکوفایی تمدن اسلامی نقش مؤثری داشتند. در این راستا، مطابق شیوه الگودهی قرآن کریم، می‌توان به برخی الگوهای مطرح‌شده در قرآن اشاره کرد.

### الف) استقامت هاجر در تربیت پیامبر و زمینه‌سازی و گسترش جغرافیای توحیدی

حضرت ابراهیم رضی الله عنه همسرشان هاجر را به همراه فرزند خود در سرزمین حجاز در میان بیابان برهوت اسکان دادند؛ مکانی که فاقد هر گیاه و آب و آبدی بود. به گزارش قرآن کریم، حضرت ابراهیم رضی الله عنه در آن بیابان چنین با خداوند مناجات کردند:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (ابراهيم: ۳۷).

پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب‌و‌علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند. تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز و از ثمرات به آن‌ها روزی ده. شاید آنان شکر تو را به‌جای آورند.

بدون شک تحمل و بردباری هاجر سرمشقی از زنان پیشتاز در جهت ترویج فرهنگ دینی بود. این بانوی نمونه، نقش تاریخی خود را به‌خوبی ایفا کرد و با تلاش خود و عنایت الهی، باعث رشد و آبادانی این سرزمین خشک و بی‌آب‌و‌علف شد و کاری کرد که در آینده‌ای نه‌چندان دور، به دست این پدر و فرزند بار دیگر خانه خدا تجدید بنا و محل طواف انسان‌های موحد و کنگره جهانی مسلمانان شود؛ همان‌گونه که قرآن کریم در این باره فرموده است: «وَإِذْ يُرَفِّعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره: ۱۲۷)؛ و [نیز به‌یاد آورید] هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [و می‌گفتند]: پروردگارا، از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی.»

بردباری هاجر در برابر این همه مشقت، آزمایشی بزرگ بود، که سربلندی وی از آن آزمایش‌های الهی موجب شد برخی رفتارهای نمادین در حج همچون سعی بین صفا و مروه، برگرفته از رفتارهای هاجر باشد. بنا بر برخی روایات، مسلمانان هنگام طواف کعبه، به احترام قبر هاجر که در حجر اسماعیل دفن شده است، دور حجر اسماعیل طواف می‌کنند و اجازه ورود به آن را ندارند<sup>۱</sup> (ابن بابویه، ۴۱۳ق، ج ۲: ۱۹۳).

### ب) آسیه همسر فرعون؛ مثل قرآنی در عبودیت خالص

یکی از الگوهایی که در قرآن کریم برای مردم معرفی شده، همسر فرعون است. وی اسوه ایمان به خداوند، حق‌خواهی، آخرت‌گرایی و مبارزه با کفر است و خداوند متعال با گزارش دعا و مناجات وی، جلوه‌های رشد و تکامل معنوی و نقش رهنما بودن وی برای دیگران را

---

۱. «صَارَ النَّاسُ يُطَوِّفُونَ حَوْلَ الْحِجْرِ وَلَا يُطَوِّفُونَ فِيهِ لِأَنَّ أُمَّ إِسْمَاعِيلَ دُفِنَتْ فِي الْحِجْرِ فِيهِ قَبْرُهَا فَطِيفَ كَذَلِكَ كَيْلًا يُوَطِّأُ قَبْرَهَا»



به تصویر کشانده است. معرفت حقیقی به خداوند و آخرت‌گرایی وی موجب شده که خداوند از او به‌عنوان مثلی برای همه مردم یاد کند:

وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتٌ فِرْعَوْنُ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ  
وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم: ۱۱).

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا، خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.»

آسیه، همسر فرعون، وقتی در پرتو معجزات حضرت موسی علیه السلام و مغلوب شدن ساحران، به معرفت الهی دست یافت، به وی ایمان آورد، و آن‌گونه که در تفاسیر آمده است، وقتی ایمانش برای فرعون ظاهر شد، فرعون او را نهی کرد؛ ولی آسیه از خواسته فرعون امتناع کرد. در نتیجه، فرعون او را در میان آفتاب با میخ کوبید و سپس فرمان داد سنگ بزرگی روی سینه او گذارند. پس، هنگامی که اجل و مرگش نزدیک شد، گفت: پروردگار من، برای من خانه‌ای نزد خودت در بهشت بنا کن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۷۹). مطابق آیه نورانی، همسر فرعون با ایمان خالص خود، آخرت‌گرایی را بر دنیاگرایی ترجیح داد و به قصر فرعون و امکانات مادی او پشت کرد و خانه‌ای در بهشت در قرب الهی را برگزید. این نوع رشد و کمال به دست نمی‌آید، جز از مسیر دستیابی به حق معنوی معرفت الهی که جنسیت در آن دخالتی ندارد و طبق مثال قرآن کریم، شخصی همچون همسر فرعون که در آن دستگاه دیکتاتوری و استعمارگری فرعون زندگی می‌کرد نیز می‌تواند بدان دست یابد. از این‌روست که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ایشان را جزو برترین زنان دو عالم معرفی فرمودند: «برترین زنان عالم چهار نفرند: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر من و آسیه همسر فرعون و دختر مزاحم»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۳۶). یکی از مفسران در تبیین جایگاه تقوای آسیه و شرایط زندگی وی در بطن و اوج کفر و ضلالت می‌گوید: «خداوند برای مؤمنان مثل زنی را زده به نام آسیه که وصلت با کافران ضرری به حال ایشان نرساند، و به

۱. «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَّرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مَرْحَمٍ».

منزلتی که در پیشگاه الهی داشت خللی وارد نشد، با اینکه زیر سلطه یکی از دشمنان خدا بود» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۹۸). علامه طباطبایی در تشریح اثر ایمان همسر فرعون که طبق قرآن برای همگان به عنوان مثلی مطرح است فرموده است:

همسر فرعون چشم از تمامی لذات زندگی دنیا پوشیده بوده، آن هم نه به خاطر اینکه دستش به آن‌ها نمی‌رسیده، بلکه در عین اینکه همه آن لذات برایش فراهم بوده، مع ذلک از آن‌ها چشم پوشیده، و به کراماتی که نزد خداست و به قرب خدا دل بسته بوده، و به غیب ایمان آورده، و در برابر ایمان خود استقامت ورزیده، تا از دنیا رفته است؛ و این قدمی که همسر فرعون در راه بندگی خدا برداشته، قدمی است که می‌تواند برای همه پویندگان این راه مثل باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۷۸).

#### پ) مادر مریم؛ اسوه تربیت دینی

حضرت مریم علیها السلام که در تعالیم قرآن کریم، مظهر عبودیت، اخلاص و پاکی بوده و به عنوان زن برگزیده معرفی شده، تربیت‌شده مادری است که او را نذر مکتب دینی می‌کند:

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّیْ إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ (آل عمران: ۳۵).

[به یاد آورید] هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «خداوندا، آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که "محرّر" [و آزاد برای خدمت خانه تو] باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی».

مریم علیها السلام دست‌پرورده و تربیت‌شده پدر نیست، بلکه تربیت‌شده مادر است و شرایط بسیاری لازم است تا انسان به مقامی برسد که فرزندش را به خدا هدیه دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۳۱)؛ اما مادر حضرت مریم علیها السلام به این کمال و اخلاص دست یافته بود و چنین نذری کرد. وقتی فرزندش متولد شد، او را به خدا پناه داد و فرمود: «وَإِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَإِنِّی أُعِیْذُهَا بِکَ وَذُرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ (آل عمران: ۳۶). من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از [وسوسه‌های] شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم.» خداوند نیز نذر وی را پذیرفت. با اینکه مادر مریم علیها السلام تصور می‌کرد برای خدمتگزاری در معبد، دختر همچون پسر نیست، خداوند وجود حضرت مریم علیها السلام را با اکرام ویژه پذیرفت: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ

حَسَنٍ وَ أَتْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا (آل عمران: ۳۷)؛ خداوند او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای، [نهال وجود] او را رویانید [و پرورش داد]. «گرچه حضرت زکریا علیه السلام سرپرستی مریم علیها السلام را پذیرفتند، به تعبیر یکی از علما، این امر در مرحله نهایی بود، نه در مرحله پیدایش ابتدایی (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). در نقل این ماجرا، بر پایه معرفی دو الگوی اخلاص و تعبد از زنان، کارآمدی و قابلیت زنان در احیا و ترویج فرهنگ دینی به تصویر کشیده شده است.

### ت) حضرت مریم علیها السلام؛ اسوه طهارت و قرب به حضرت حق

یکی از چهره‌هایی که قرآن کریم از او به نیکویی و طهارت یاد می‌کند، حضرت مریم علیها السلام است. قرآن کریم از بدو تولد این بانوی نمونه، برخی وقایع زندگی و کمالات او را به تصویر می‌کشد که همه نشان‌دهنده قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های والای وی در مسیر کمال و تعالی است؛ کمالی که لازمه تولد یکی از پیامبران اولوالعزم الهی بوده است. قرآن کریم از حضرت مریم علیها السلام به عنوان صدیقه یاد کرده است: «وَ أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ» (مائده: ۷۵). صدیقه مبالغه در تصدیق است و صدیقان طبق فرهنگ قرآنی با انبیا، صالحان و شهدا همراه، و اینان قافله‌سالار کوی الهی اند (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). حضرت مریم علیها السلام در لوای تعبد و پاک‌دامنی به کمالات والایی دست یافتند که بر اساس آن می‌توان از آن شخصیت به عنوان اسوه‌ای برای زنان در جهت تکامل روحی و مقتدای حرکت دینی یاد کرد؛ الگویی که جنسیت را در دستیابی به کمال دخیل نمی‌شمارد. خداوند متعال در آیات قرآن کریم به برخی مقامات و ویژگی‌های شخصیتی حضرت مریم علیها السلام از جمله گفت‌وگوی وی با ملائکه، دریافت ارزاق بهشتی و نیز مقام اصطفاء و طهارت ایشان اشاره می‌کند؛ چنان‌که در سوره آل عمران درباره ارزاقی که از بهشت بر ایشان نازل می‌شد، می‌فرماید:

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَتْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكْرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ جَدَّ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران: ۳۷).

پس، پروردگارش وی (مریم) را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد، و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی]

خوراکی می‌یافت. [می]گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو [آمده است]؟» [او در پاسخ می]گفت: «این از جانب خداست، که خدا به هرکس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد».

نکته حائز اهمیت این است که بر اثر این کمالات معنوی، غذای حضرت مریم مستقیماً و بدون به‌کارگیری وسائط مادی از جانب خداوند سبحان و از بهشت برین تأمین می‌شد. یکی از مفسران در این باره قائل است که لفظ «رزقاً» بدون «ال» وجود دائمی این طعام را می‌رساند، و مریم در پرتو عبادات خود در دنیا متنعم به ارزاق بهشتی شده بود. ایشان در تشریح این مطلب که «رزقاً» در اینجا بدون «ال» ذکر شده است، تصریح کردند: «این اشاره است به اینکه رزق نام‌برده، طعام معهود در بین مردم نبوده؛ همچنان‌که بعضی هم گفته‌اند: هر وقت زکریا به مریم سر می‌زد، میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان نزد او می‌دید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۷۳). شهید مطهری در شرح مقام مریم علیها السلام از منظر قرآن کریم، تصریح می‌دارد که وی پیغمبر زمانش را در حیرت برده بود و زکریا در مقابل مقام مریم، مات و مبهوت مانده بود (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۱۹). حضرت مریم علیها السلام در سایه آموزه‌های الهی و حق معرفت الهی، به چنان رشدی نائل شدند که قرآن کریم از هم‌کلام شدن ایشان با ملائکه یاد و او را به‌عنوان زن برگزیده از جانب خود معرفی می‌کند: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۴۲)؛ هنگامی را که فرشتگان گفتند: "ای مریم، خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است." این مقامات چیزی نیست جز محصول آن معرفت الهی و عمل به دستورهای الهی. دستیابی حضرت مریم علیها السلام به این کمال و رشد والایی که قرآن کریم از آن یاد می‌کند، موجب شد ایشان ظرفیت و قابلیت مادری یکی از پیامبران اولوالعزم را به‌دست آورد و منبع فیض در ایجاد جامعه دینی شد؛ پیامبری که تولدش هم به‌عنوان معجزه مطرح است؛ همان‌طور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُهَا وَكُنْتِ مِنَ الصَّادِقَاتِ (تحريم: ۱۲)؛ و همچنین به مریم، دختر عمران، که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم. او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود».

### ث) حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>؛ مظهر خیر کثیر در رسالت نبوی

حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> به درجات والای عصمت و کمال دست یافتند و منشأ تولد وجود مبارک ائمه معصوم شدند؛ به طوری که قرآن کریم از ایشان با واژه کوثر تعبیر کرده است. خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرموده است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ إِنَّ شَأْنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (کوثر: ۱-۳)؛ ما به تو کوثر عطا کردیم. پس، برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. دشمنت خود بی تبار خواهد بود.» در تفسیر نمونه درباره این مطلب آمده است: بسیاری از بزرگان علمای شیعه یکی از روشن‌ترین مصداق‌های آن را وجود مبارک «فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup>» دانسته‌اند؛ چراکه شأن نزول آیه می‌گوید: آن‌ها پیغمبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را متهم می‌کردند که بلاعقب است. قرآن ضمن نفی سخن آن‌ها، می‌گوید: «ما به تو کوثر دادیم.» از این تعبیر استنباط می‌شود که این «خیر کثیر» همان فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup> است؛ زیرا نسل و ذریه پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۳۷۵).

مقام کوثر به زهرا<sup>علیها السلام</sup> اطهر<sup>علیها السلام</sup> داده شد؛ آن هم در زمانی که وجود دختر، برای عده‌ای از پدران ننگ بود. خداوند متعال با اعطای حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> به پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، به دفاع از حقوق معنوی زنان برخاست و با خلقت این دختر، خیر کثیر را نه تنها به پیامبر اعظم<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، بلکه به همه انسان‌های طالب هدایت عطا کرد. تعبیر کوثر درباره حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و امر به قربانی کردن و نماز برپا کردن، از الگوی معنوی و موهبتی پربرکت خبر می‌دهد که سرمنشأ تداوم نسل پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و در نتیجه حفظ دین بوده است. شهید مطهری در تبیین مقام معنوی حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و منزلت ایشان از منظر دینی گفت که حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> بر فرزندان خود که امام‌اند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیا<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، برتری دارند (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

کوثر بودن حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> در سرتاسر حیات و ممات ایشان جریان دارد. او فدایی امامت و ولایت شد و فرزندان که در دامانش پرورش یافتند، یا در راه اعتلای دین به شهادت رسیدند یا به اسارت رفتند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۶۰).

حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> در اقوال و سیره مفسران کامل قرآن کریم، ائمه معصوم<sup>علیهم السلام</sup>، نه تنها اسوه زنان، بلکه اسوه مردان نیز معرفی شده‌اند؛ مانند آن سخن که منسوب به حضرت

مهدی است که فرموده‌اند: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أَسْوَأُ حَسَنَةً (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳: ۱۸۰)؛ دختر رسول خدا برای من سرمشقی نیکوست.» به تعبیر رهبر معظم انقلاب، در یکی از سخنرانی‌هایشان، آن‌گاه که رسول خدا ﷺ فاطمه را پاره تن خویش می‌خوانند، به جهانیان می‌آموزند که جلوه‌والای کرامت انسانی و اخلاق اسلامی را در این چهره مقدس جست‌وجو کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۸۱).

### ۳. تفکر انتقادی قرآن از الگوهای ناشایست زنان در اجتماع

در قرآن کریم، علاوه بر آنکه از الگوها و مصادیقی یاد شده که توجه به سیره و رفتار آن‌ها، مایه رشد و هدایت بشر است، از الگوهایی نیز یاد شده که دربرگیرنده باورها و رفتارهای ناهنجار است و می‌تواند در مسیر تکامل بشر، مایه عبرت دیگران باشد.



نمودار شماره ۲. تفکر انتقادی قرآن از الگوهای ناشایست زنان در اجتماع

(منبع: یافته‌های پژوهش)

#### الف) خیانت برخی همسران پیامبر

آیاتی از قرآن کریم از افشای راز پیامبر ﷺ در میان دو تن از همسران ایشان خبر داده و فرموده است:

وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ إِنَّ تَتُوبَا

إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَعَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (تحریم: ۴-۳).

[به خاطر بیاورید] هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود. هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا با خیر ساخت. اگر شما [همسران پیامبر] از کار خود توبه کنید، [به نفع شماست؛ زیرا] دل‌هایتان از حق منحرف شده است؛ و اگر بر ضد او دست‌به‌دست هم دهید، کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.»

مطابق آیات بیان‌شده، رسول خدا ﷺ سرّی را به یکی از همسرانشان گفتند و او آن سرّ را برای همسر دیگر پیامبر ﷺ فاش کرد و خداوند پیامبر ﷺ را از افشای این راز آگاه ساخت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۵۵). بر اساس سیاق آیات، چند نکته درخور توجه است:

اول، افشای راز پیامبر ﷺ از منظر پروردگار متعال، نوعی خیانت و در تعارض با حق شمرده شده است؛ زیرا در آیات مطرح شده که دل‌های شما از حق منحرف شده (فَقَدْ صَعَتْ قُلُوبُكُمَا) و نیز توصیه شده است که آن‌ها از این کار خود توبه کنند؛

دوم، این نوع اقدامات ضداخلاقی از طرف برخی همسران پیغمبر ﷺ، تنها آسیبی بر پیکره روابط خانوادگی آن‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند موقعیت پیامبر ﷺ در تبلیغ دینی را به خطر بیندازد. به همین دلیل، خداوند متعال می‌فرماید اگر بر ضد پیامبر ﷺ دست‌به‌دست هم دهید، خداوند، جبرئیل، مؤمنان صالح و فرشتگان پشتیبان ایشان هستند: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ.»

### ب) زنان لوط و نوح؛ نمونه کفرورزی و گمراهی

قرآن کریم، هم از مردان و هم زنانی به‌عنوان سمبل کفرورزی و گمراهی در اجتماع یاد کرده که کج‌فهمی و کج‌روی آن‌ها، زمینه‌آلوده کردن فضای فکری و اعتقادی جامعه را به‌همراه داشته است. از این افراد در میان زنان، زن نوح و زن لوط است. نام زن نوح را واغله و نام زن لوط را واهله گفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۴۷۹). در قرآن کریم درباره این دو زن آمده است:

صَبَرَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَاتَتَا تَحْتِ عِبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ (تحریم: ۱۰).

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت، و به آن‌ها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند».

مرحوم طبرسی، از مفسران قرن ششم هجری، از قول ابن عباس می‌گوید زن نوح کافر بود و بر ضد نوح علیه السلام، به مردم می‌گفت که نوح علیه السلام دیوانه است و هرگاه فردی به نوح علیه السلام ایمان می‌آورد، گزارش آن را به کافران می‌داد. نیز از قول سدی می‌گوید خیانت زن نوح و زن لوط این بود که کافر بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۴۷۹). «خیانت» معنای مخالفت با حق را دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق: ۳۰۵). در آیه بیان شده، از این زنان به‌عنوان الگوها و نمونه‌هایی از زنان کافر یاد شده است؛ زنانی که باینکه تحت سرپرستی دو نبی الهی بودند، راه کفر را در پیش گرفتند و نه تنها پیامبر خدا را یاری نکردند، بلکه به وی در ترویج دین نیز خیانت کردند و در زمره دوزخیان درآمدند. از این رو، زنان نیز همچون مردان، اگر برخلاف مسیر آموزه‌های دین گام بردارند و از منادیان کفر باشند، گمراه خواهند شد و سرنوشتشان آتش سوزان جهنم خواهد بود.

شایان توجه است که در آیات سوم و چهارم همین سوره، از خیانت دو تن از همسران پیامبر علیه السلام به ایشان یاد، و در این آیه نیز به همسران نوح و لوط اشاره شده است که به‌نوعی در حق همسرانشان، خیانت ورزیدند و گرفتار عذاب الهی شدند. این ماجرا می‌تواند عبرتی برای دو همسر پیامبر اسلام علیه السلام و نیز درسی برای همه زنان مؤمن باشد. به تعبیر یکی از مفسران معاصر، «به این ترتیب به دو همسر پیامبر اسلام علیه السلام که در ماجرای افشای اسرار و آزار آن حضرت دخالت داشتند، هشدار می‌دهد که گمان نکنند همسری پیامبر علیه السلام به‌تنهایی می‌تواند مانع کيفر آن‌ها باشد؛ همان‌گونه که رابطه همسران نوح و لوط به خاطر خیانت، از خاندان نبوت و وحی قطع شد، و گرفتار عذاب الهی شدند؛ و درضمن، هشدار است به



همه مؤمنان در تمام قشرها که پیوندهای خود را با اولیاء‌الله در صورت گناه و عصیان، مانع عذاب الهی نیندارند» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۳۰۰-۳۰۱).

### پ) دشمنی همسر ابولهب با پیامبر اکرم ﷺ

یکی از زنانی که در قرآن کریم، به‌عنوان مصداقی از دشمنی با رسول خدا ﷺ یاد شده، زن ابولهب است. قرآن کریم ابولهب و همسرش را این‌گونه تویخ می‌کند:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيِّئُلِي نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (مسد: ۱-۵).

بریده باد هر دو دست ابولهب [و مرگ بر او باد]. هرگز مال و ثروتش و آنچه به‌دست آورد به حالش سودی نبخشید و به‌زودی وارد آتشی شعله‌ور و پرله‌پس می‌شود؛ و [نیز] همسرش، درحالی‌که هیزم‌کش [دوزخ] است و در گردنش طنابی است از لیف خرما.

مرحوم طبرسی ذیل این آیه تصریح کرد که نقل شده این زن میان مردم سخن‌چینی و دشمنی ایجاد و آتش‌جنگ و نزاع را روشن می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۸۵۳). در این آیات، ابولهب ضد پیامبر اکرم ﷺ کارشکنی می‌کرد، و همسرش نیز در راه کفر و گمراهی و ممانعت از پیشروی اسلام با او همیاری می‌کرد. پس، از هر دو نفر به‌عنوان دو نمونه کفرگرایی و مخالفت با نبی خدا یاد می‌کند که سرانجامشان آتش دوزخ است.

درخور توجه است که در اینجا به‌رغم نسبت فامیلی که ابولهب و همسرش با پیامبر اکرم ﷺ داشتند، چون راه کفر را در پیش گرفتند، به‌عنوان نمونه و مصداق گمراهی مطرح شدند؛ اما همسر فرعون با اینکه با فرعون نسبت فامیلی داشت، چون راه هدایت را برگزید، به‌عنوان مصداق و الگوی هدایت‌یافته مطرح شده است.

یکی از مفسران ذیل این آیات، به‌عبرت گرفتن دیگران از این نوع شخصیت‌ها اشاره کرد: «درست است که آیات این سوره تنها از ابولهب و همسرش سخن می‌گوید، ولی پیداست که آن‌ها را به خاطر صفاتشان این‌چنین مورد نکوهش قرار می‌دهد. بنابراین، هر فرد یا گروهی دارای همان اوصاف باشند سرنوشتی شبیه آن‌ها دارند» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۴۲۴).

## نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های هدایت‌بخش و تکامل‌کننده انسان‌ها در فرهنگ متعالی قرآن، روش الگودهی است. قرآن کریم در راستای دفاع از حقوق و شخصیت زنان، از الگوهای شایسته یاد کرده است که در پرتو اعتقادات و رفتارهای صحیح، به رستگاری دست یافتند. طرح این الگوها به صورت عینی و عملی در آینه وحی، در کنار تبیین مباحث تئوریک، می‌تواند زمینه اثربخشی زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم آورد و به مشارکت آن‌ها در جامعه پویایی بخشد. این پژوهش جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان را از رهگذر الگوهای شایسته زنان در قرآن، واکاوی کرده و به نتایجی به این شرح دست یافته است:

الف) حکومت‌داری ملکه سبأ و تبیین شوکت، عظمت، تدبیر و خردمندی وی، حضور فعال و مؤثر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ماجرای مباحثه، بیعت دسته‌جمعی زنان با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، ماجرای اشتغال سالم دختران حضرت شعیب علیه السلام در کنار مردان، حضور اجتماعی مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام و در نتیجه حفظ جان یکی از پیامبران اولوالعزم، مصادیقی از حضور زنان موفق در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه است که با مهر تأیید قرآن کریم، به عنوان الگوهای جاودانه در جریان تعالی بخش زنان مطرح شده‌اند؛

ب) نقش تمهیدی زنان در ساختار جامعه دینی نیز در پرتو الگوهای موفق از زنان، به صورت ملموس و عینی قابل مشاهده است؛ همچون تبیین نقش بردبارانه و پرهیزکارانه هاجر، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام، به عنوان الگویی از ترویج فرهنگ توحیدی، تبیین قرب حضرت مریم علیها السلام به پروردگار و کمالات والای ایشان، نقش تربیتی مادر حضرت مریم علیها السلام، تبیین رستگاری آسیه همسر فرعون و مبارزه ایشان با کفر و استبداد، وجود مبارک و تکامل‌یافته حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و تعبیر کوثر (خیر کثیر) از ایشان، که همه این الگوها، به نوعی بیانگر نقش مؤثر زنان در ترویج فرهنگ دینی است و تأسی بدان‌ها، موجب رشد شخصیت و تکامل زنان در جامعه می‌شود؛

پ) در قرآن کریم، علاوه بر الگوهای شایسته، از زنانی نیز یاد شده که در مسیر هدایت‌بخشی افراد، نمونه‌های عینی از رفتار و عقاید ناشایست به‌شمار می‌روند که از آن‌ها با انگیزه نوعی عبرت‌آموزی یاد شده است؛ همچون همسر نوح و همسر لوط که در

کفرورزی و خیانت اعتقادی به همسرانشان، که فرستادگان الهی بودند، اسباب گمراهی خود و دیگران را فراهم می‌آورند. همسر ابولهب نیز یکی از مصداقی است که در کنار شوهرش، دست از دشمنی با رسول خدا ﷺ برداشت و به‌عنوان مصداقی از زن گمراه و ملعون شده یاد شده است. در این راستا، قرآن کریم از خیانت دو تن از همسران پیامبر اکرم ﷺ یاد کرده است که سرّ نبی خدا را فاش کردند و به گزارش قرآن کریم، به توبه کردن فراخوانده شدند. بنابراین، از منظر قرآن کریم، نه‌تنها قابلیت زنان جهت مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در هیچ‌آیه‌ای نفی نشده، بلکه الگوهایی از زنان مطرح شده که بیانگر نگاه مثبت خداوند به مشارکت مؤثر سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه است.

### پیشنهادها

باتوجه‌به یافته‌های علمی این پژوهش، پیشنهاد می‌شود جهت مزین کردن فرهنگ جامعه به فرهنگ قرآنی در حوزه دفاع از شخصیت و حقوق زنان، ضمن پژوهش‌هایی نوین، مبانی و اصول به‌کاررفته در الگوهای قرآنی حضور سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه استخراج و تبیین شوند تا ضمن آن، از گستره و محدوده حضور زن در جامعه به‌طور علمی و متقن پرده‌برداری، و از آسیب‌های افراط‌گونه و تفریط‌گونه جلوگیری شود.

### کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.  
آقابخشی، علی اکبر و مینو افشاری راد (بی‌تا). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.  
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.  
پناهی، علی احمد (۱۳۹۷). اشتغال زنان با تأکید بر آسیب‌ها و اولویت‌ها، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جعفری، محمدرضا (۱۳۷۷). فرهنگ نشر نو، تهران، تنویر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم، قم، اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء.

حافظی، معصومه (۱۴۰۰). اصل قرآنی معاشرت به معروف و بازنگری روابط همسران، قم،

جامعه الزهراء.

کارآمدی زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی - فاطمه کریمی (۱۶۳-۱۰۴) / ۱۶۳

دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۵). زن؛ ریحانه آفرینش (مجموعه دیدگاه‌های مقام معظم رهبری پیرامون زن)، قم، دار الهدی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). عرصه‌های حضور اجتماعی زن، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۲۳ق). مفردات الفاظ القرآن، قم، ذوی القربی.

رشید رضا، محمد (بی تا). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت، دار المعرفه.

زارعی، محمدمهدی (۱۳۸۹). «الگوهای دینی و سازگاری آن‌ها با مقتضیات زمان»، جستارهایی در فلسفه و کلام، س ۸۴، ش ۴۲، ص ۷۹-۱۰۴.

زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۷ق). المفصل فی احکام المرأة و البنت المسلم فی الشریعة الاسلامیه، بیروت، مؤسسة الرساله.

ضمیری، محمدرضا (۱۳۹۲). عدم تعارض حق شغل زن با حقوق خانواده، قم، جامعه الزهراء.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.

عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران، بهزاد.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تهران، الصدر.

\_\_\_\_\_ (بی تا). المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۲). تأمل در فقه؛ تحول در حقوق، تهران، میزان.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مدرسی، سیدمحمد تقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). جامی از زلال کوثر، به کوشش محمدباقر حیدری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). زن و مسائل قضایی و سیاسی، تهران، صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.